

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۰

انقلاب اسلامی، پروژه جهانی شدن و مسئله مهدویت

مرتضی شیرودی*

چکیده

جهانی شدن یا جهانی سازی، بسیاری از کشورها را دچار مشکل کرده است؛ زیرا جهانی شدن به مفهوم گسترش اقتصاد، فرهنگ و سیاست امریکایی در پهنه جهان است. از این رو، جهانی شدن با هدف تضعیف حاکمیت و اقتدار کشورها و سرانجام برای از بین بردن واحدها یا کشورهای کوچک، یا استحاله یا ادغام آن‌ها در جهان غرب به کار گرفته شده است. البته نمی‌توان فرصت‌هایی را که جهانی شدن پدید می‌آورد انکار کرد، ولی این فرصت‌ها در مقابل تهدیدها و مشکل‌ها، اندک و ناچیزند. به عبارت دیگر، جهانی شدن عبارت است از رقابت بی‌قید و شرط در سطح جهان که برای کشورهای غنی، درآمد بیش‌تر و برای کشورهای فقیر، فقر بیش‌تر به همراه می‌آورد. از همین رو، فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا می‌گوید: «جهانی شدن، گرسنگی، مرض و درماندگی را به دنبال دارد» و جیمز گراف اندیشمند غربی بر آن است که جهانی شدن، چهره شیطانی دارد نه انسانی.

چهره شیطانی جهانی شدن چه آثار زیان‌باری بر انقلاب اسلامی و حکومت برآمده از آن یعنی جمهوری اسلامی دارد؟ در انقلاب اسلامی چه رابطه‌ای میان آسیب‌پذیری از جهانی شدن و مسئله مهدویت می‌توان ترسیم نمود؟ گمان نگارنده آن است که رویکرد مهدوی می‌تواند مانع از آسیب‌های جهانی شدن بر کشور ایران شود.

واژگان کلیدی

ایران، انقلاب اسلامی، جهانی شدن (جهانی سازی)، امریکا و مهدویت.

* عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی. (dshirody@yahoo.com)

مقدمه

مقاله حاضر، بر چند مفروض بنا شده است:

- جهانی شدن همان جهانی سازی است، ولی با دو نام متفاوت. لذا در مقاله پیش رو، این دو به یک معنا به کار رفته است؛
- جهانی شدن یا جهانی سازی بیش از آن که دارای آثار مثبت و سازنده برای جهانیان باشد، تولیدکننده پیامدهای زیان بار است؛
- چون جهانی شدن، آثار زیان بار فراوانی دارد، مقابله با آن، طبیعی، ضروری و اجتناب ناپذیر است؛
- جهانی شدن، بیش تر از فرهنگ سلطه جویانه امریکایی سرچشمه می گیرد و از این رو، بیش تر از سوی آنان هدایت و مدیریت می شود؛
- نتیجه چند مفروض پیشین، مفروض دیگری است؛ آن که نمی توان با نگاه خوش بینانه به جهانی شدن نگریست.

در تلاش برای یافتن پاسخ به پرسش های فوق، نخست آثار زیان بار جهانی شدن در ابعاد فرهنگ، امنیت، اقتصاد و سیاست بر انقلاب اسلامی بررسی می شود، پس از آن راهبردها و استراتژی های پیش روی انقلاب اسلامی در رودررویی با جهانی شدن به میان می آید تا آن گاه راهکار و تاکتیک مبارزه با آن با رویکرد مهدوی مطرح می شود.

آثار فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی جهانی شدن بر ایران

انتخاب چهار گزینه فرهنگ، امنیت، اقتصاد و سیاست به آن معنا نیست که همه ابعاد زیان بار جهانی شدن را محدود به آن ها کنیم، بلکه این گزینش به آن دلیل صورت گرفته که اولاً، مهم ترین ابعاد جهانی شدن را تشکیل می دهند و ثانیاً جهانی شدن هم اینک در این چهار عرصه بیش تر شناخته می شود.

الف) فرهنگ

فرهنگ امریکایی در نهاد جهانی شدن قرار دارد. فرهنگ امریکایی خود را برترین فرهنگ می داند و در صدد است به شیوه ها و ابزار مختلف، خود را فرهنگ مسلط جهانی بنمایاند. اندیشه سلطه جویانه فرهنگ امریکایی، تأثیرات زیان بار زیر را در جوامع انسانی و ایران می گذارد:

۱. رهبری فرهنگی: فرهنگ امریکایی در پی دستیابی به رهبری فرهنگی جهانی است.



این فرهنگ، در بستر روشن‌گری اروپایی شکل گرفته، ولی امروزه تفسیری کاملاً امریکایی پیدا کرده است. فرهنگ امریکایی نگاه تک‌بعدی یا مادی‌گرایانه به انسان دارد. بر این پایه، در حوزه رهبری فرهنگی امریکایی، همه تجزیه و تحلیل‌ها در حیطه فن‌آوری مادی صورت می‌گیرد و همه دل‌مشغولی‌ها به بهینه‌سازی و بهره‌وری این دنیایی محدود است. به علاوه، رهبری فرهنگی یا هژمونیک امریکا، به معنای محدودسازی انتخاب برای غیرامریکیان است و به همین دلیل، فرهنگ امریکایی نقش پالایشگاهی پیدا می‌کند. در این صورت، تنها اوست که می‌گوید چه چیزی خالص و درست یا نادرست و ناخالص است. این سلطه‌جویی فرهنگی با موانعی چون فرهنگ انقلاب اسلامی مواجه است که درصدد ایفای نقش جهانی براساس دو پایه مادیت و معنویت است. جدال بین این دو فرهنگ جهان‌نگر، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و با طرح پروژه جهانی‌سازی دوچندان شده است. (دهشیار، ۱۳۷۹: ۴۵۷)

۲. معناسازی فرهنگی: یکی از ابعاد جدال مقدس بین فرهنگ انقلاب اسلامی و فرهنگ جهانی‌سازان امریکایی، در معناسازی فرهنگی است. گاه فرهنگ به معنای نظام معنادهنده است. بنابراین معنا، فرهنگ در پی نظارت بر دیگران است. برای نظارت بر دیگران، فرهنگ امریکایی می‌کوشد ارزش‌های همسو و همگن با امریکا را در کشورهای اسلامی و ایران پدید آورد. در صورت تحقق این همسویی، تفسیر واحدی از پدیده‌های پیرامونی بین مردم و مسئولان دو کشور صورت می‌گیرد و این آغاز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرهنگی است. یکی از راه‌های معناسازی فرهنگی، هویت‌زدایی فرهنگی است. مسخ تاریخی یا هویت‌زدایی تاریخی یعنی پاک‌سازی گذشته افتخارآمیز و فراهم آوردن اسباب بی‌توجهی به آینده از ذهنیت یک ملت و محصور شدن و محصور کردن آن در زمان حال و به مسائل روزمره (روزمرگی). ملت بی‌تاریخ یا برخوردار از گسل تاریخی، مجذوب ایده‌های دیگران می‌شود و بر پایه تفسیر غیربومی به ارزیابی حوادث می‌پردازد. خلاصه این‌که در سه حوزه معرفت، قدرت و اخلاق، به پذیرش سلطه فرهنگی غرب تن می‌دهد. (همو: ۴۵۹)

۳. جنگ تمدنی و فرهنگی: امریکا با بهره‌گیری از ابزار رسانه‌ای در جهت منزوی کردن کشورهای مخالف خود چون ایران عمل می‌کند. چامسکی از منتقدان دولت امریکا در این باره می‌گوید: خبر نشست غیرمتعهدان در کلمبیای ۱۳۷۹ (اجلاس کلمبیا) و اعلامیه پایانی اجلاس، در مطبوعات امریکا منتشر نشد؛ زیرا همان‌گونه که امریکا پیش‌بینی می‌کرد، در اعلامیه پایانی اجلاس، به کارگیری اصطلاح دفاع از حقوق بشر برای مداخله در امور داخلی کشورها، محکوم شد و آن را نوعی استفاده ابزاری از حقوق بشر برای نظارت بر کشورهای مخالف دانستند. با

این وصف، چگونه امریکا می‌خواهد با تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به گفت‌وگو بپردازد، در حالی که حاضر نیست حرف ملت‌های غیرمتعهد را که هشتاد درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، بشنود؟ به عقیده چامسکی تا زمانی که جنوبی‌ها آرامند، کسی به فکر آنان نخواهد بود. مثال دیگری برای اثبات سخنانش آن است که آموزش و آموختن نظریه تکاملی داروین در ایران ممنوع نیست، ولی این اقدام در کانزاس قدغن است. البته اگر افرادی در امریکا عقیده دارند که نظریه داروین درست نیست، این حق آن‌هاست، اما آن‌ها حق ندارند، عقیده خود را به دیگران تحمیل کنند. (چامسکی، ۱۳۷۹: ۱۲)

۴. غربی‌سازی فرهنگی: غرب با جهانی‌سازی، غرب به دنبال غربی‌سازی فرهنگی جهان و ایران است. آن‌ها درصددند ایرانیان از فرق سر تا ناخن پا فرنگی شوند؛ هرچه دارند بر زمین نهند و هرچه فرنگی‌ها می‌گویند، بر دوش گیرند. جهانی‌سازان غربی القا می‌کنند پیروی از فرهنگ غرب، تنها راه نجات یا دست‌یابی به توسعه است. از این رو، ایرانیان می‌خواهند در زندگی شخصی و اجتماعی از آداب غربی استفاده کنند و همان‌گونه که زمانی سعید نفیسی مطرح کرد، به تغییر الفبای فارسی به لاتین بپردازند. آنان سفارش می‌کنند که مرزها را بردارید، دیوارها را جمع کنید و دلار را برگزینید. (ولایتی و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۰) آن‌ها برای رسیدن به غربی‌سازی ایران و جهان، به تولید و تجارت جهانی کالاهای فرهنگی بیش از پیش توجه دارند. برای مثال، تجارت جهانی کالاهای فرهنگی غربی در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱ (۱۳۵۹) تا ۱۳۷۰ (۱۳۷۰) سه برابر و از ۶۷ میلیارد دلار به دویست میلیارد دلار رسید. در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ (۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵) تعداد رستوران‌های مک دونالد از ۱۲۴۱۸ به ۲۱۰۲۲ عدد در سراسر جهان رسید و در این مدت، تعداد شرکت‌های الکترونیکی چندمیلیتی از چهارده به هفده و مؤسسات مخابراتی از دو به پنج شرکت افزایش یافت که اغلب در صنایع سرگرمی‌سازی مشغولند، یعنی شیوه تولید در فرآیند جهانی‌سازی از عرضه کالاهای صنعتی ارزان به کالاهای فرهنگی ارزان گراییده است. کالاهای فرهنگی ارزان، گسترش دهنده تفکر سرمایه‌داری و سمبل فرهنگی غرب است. (همو: ۸۳)

(ب) امنیت

جهانی‌شدن نتوانسته و نمی‌تواند امنیت داخلی و خارجی ایران را به‌طور بنیادی و اساسی زیر و رو کند، ولی تأثیر جهانی‌شدن در امنیت ایران را نباید نادیده گرفت. در واقع، ایران هم باید تهدیدهای سنتی علیه امنیت خود را جدی بگیرد و هم باید به تغییرات و خطراتی توجه کند که تحولات نوین در عرصه جهانی علیه آن ایجاد می‌کند. برخی از این تغییرات جدید که

جهانی شدن را برانگیخته است، عبارتند از:

۱. پیدایی محیط جدید الکترونیکی و اطلاع‌رسانی؛ اقتصاد در جهانی شدن به سوی اقتصاد مبتنی بر تولید اطلاعات و فن‌آوری پیشرفته سوق یافته است. سرمایه‌گذاری در تولید دانش و اطلاعات، عرصه جدیدی در رقابت‌های نظامی پدید آورده است. برای مثال، اسرائیل غاصب که با اغلب کشورهای خاورمیانه از جمله ایران بر سر مسئله مرزهای آرمانی مشکل دارد، اقتصاد خود را در دو دهه گذشته به سوی اقتصاد مبتنی بر تولید اطلاعات و فن‌آوری مدرن رایانه‌ای سوق داده است و با استفاده از دانش جدید به طراحی جدید امنیتی علیه کشورها و ایران دست زده است. در محیط جدید الکترونیکی، اهمیت اطلاع‌رسانی و انتقال کاراً و سریع اطلاعات، ابعاد ارتباطی امنیت را برجسته کرده و موجب پیدایی بازیگران تازه شده است. مثلاً شبکه الجزیره، به یکی از اصلی‌ترین منابع تعیین و تأمین اطلاعات و نیز به یکی از مهم‌ترین بازیگران در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و امنیتی در منطقه و گاه جهان تبدیل گردیده است. (سجادپور، ۱۳۷۹: ۵۵۶)

۲. بازیگران و تهدیدهای امنیتی جدید: در محیط جدید جهانی، ابزار سنتی قدرت دگرگون شده، به گونه‌ای که امنیت دیگر تنها در کنار لوله تفنگ تأمین نمی‌شود، بلکه توانایی‌های مختلف در عرصه‌های اقتصادی، ارتباطی و... آن را تأمین می‌کند. برای مثال، آثار جهانی شدن اقتصاد، اقتصاد کشورهای آسیایی را با بحران و امنیت آنان را با مشکل مواجه کرده است. البته آن‌چه باعث شده ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، آثار منفی جهانی شدن را در عرصه اقتصاد و امنیت حس نکنند، اتکا بر درآمدهای نفتی و تسکین و تحمیل این درآمدها بر اقتصاد داخلی است. با این حال، در همین وضعیت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و شورای همکاری خلیج فارس، علی‌رغم رویکرد غیرامنیتی، شدیداً متغیرهای امنیتی ایران را برانگیخته‌اند، به شکلی که این کشورها که تا دیروز تهدید امنیتی برای ایران نبوده‌اند، در دو دهه گذشته به تهدید جدید امنیتی علیه ایران تبدیل شده‌اند. با توسعه موج جهانی شدن، این کشورها، بیش از گذشته به ابزارهای تهدید یا جهانی‌سازی علیه ما مبدل شده‌اند و از این‌رو، درصددند کشورهای مخالف جهانی‌سازی چون ایران را مرعوب یا مطیع کنند. (همو: ۵۵۸)

۳. تضعیف حاکمیت خارجی ایران: عمده‌ترین پیامد سیاسی امنیتی جهانی شدن، تضعیف و به چالش کشیدن حاکمیت دولت‌هاست. جهانی شدن به ناتوانی دولت‌ها در تأمین رفاه عمومی و این مسئله به ایجاد شکاف بین دولت و ملت می‌انجامد. شکاف چنان زیاد می‌شود که دژه بحران پدید می‌آید. آن‌گاه بستر ناامنی فراهم می‌شود و دست‌یابی به توسعه غیرممکن

می‌گردد. از این رو، امروزه عوامل تهدیدکننده امنیت، از حوزه اقتدار دولت خارج شده و بُعد جهانی به خود گرفته است. از این رو، مقابله با تهدیدات امنیتی نسبت به گذشته سخت‌تر شده، به گونه‌ای که مقابله با عوامل تهدیدکننده‌ای چون ایدز، پارگی لایه اُزن و... دیگر کار یک دولت نیست. البته می‌توان با حرکت به سوی تأسیس اتحادیه‌های جمعی منطقه‌ای در برابر این بحران‌ها ایستاد. (بیگدلی، ۱۳۸۰: ۴)

۴. تهدید علیه دموکراسی: گسترش بیش از پیش شرکت‌های چندملیتی از دیگر ابعاد جهانی شدن است. این شرکت‌ها که بر فضای عمومی جهان سایه افکنده‌اند، در صورت به خطر افتادن منافعشان یا به منظور سود بیش‌تر به اقدامات غیردموکراتیک در کشورهای جهان دست می‌زنند و در صورت لزوم علیه دموکراسی حاکم بر این کشورها وارد عمل می‌شوند. البته گاه نیز جناح‌های سیاسی حاکم بر کشورهایی چون ایران، برای رسیدن به پیشرفت‌های صنعتی، مجبورند یا مایلند خارج از ضوابط و نهادهای دموکراتیک چون مجلس، با این شرکت‌ها قراردادهایی منعقد کنند و برای حفظ مشروعیت سیاسی خود، آن را از نگاه مردم دور نگاه دارند، اما تجربه پس از جنگ جهانی دوم نشان داده که عملکرد شرکت‌های چندملیتی، گسترش جهانی فقر را در پی دارد. همچنین، جهانی شدن به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی می‌انجامد، سرمایه‌گذاران خارجی برای کسب سود بیش‌تر، دست‌مزد‌های ناچیزی به کارگران می‌پردازند. این امر به گردش فقر بیش‌تر و کاهش سطح رفاه عمومی کارگران و در نتیجه، شورش‌های اجتماعی می‌انجامد. سازمان ملل متحد در این باره گزارش داده که ترویج اقتصاد آزاد به ناامنی‌های فرهنگی در ملل ضعیف دامن زده است. (بیگدلی، ۱۳۸۰: ۶) هربرت مارکوزه فرایند دیگری از تهدید دموکراسی به وسیله جهانی شدن را ترسیم می‌کند. به اعتقاد او، جهانی شدن به اشاعه ارزش‌های امریکایی ختم می‌شود که در آن نگرش انتقادی به پدیده‌هایی چون حکومت وجود ندارد. بنابراین، اشاعه این ارزش‌ها، نوعی تسلیم‌پذیری در برابر حکومت‌های دیکتاتوری را در فرد پدید می‌آورد. (مارکوزه، ۱۳۵۹: ۲۰۴) پس گسترش فقر به افزایش اعتراضات و آن گاه به شکل‌گیری احزاب سیاسی و دموکراتیزه کردن کشور می‌انجامد، ولی چنین دموکراسی‌هایی به علت ریشه داشتن در فقری که اجانب پدید می‌آورند، غیرواقعی و نمایشی است.

ج) اقتصاد

جهانی شدن اقتصاد بیش از آن که برای ایران فرصت ایجاد کند، تهدید می‌آفریند و ایران را به انزوای اقتصادی می‌اندازد. تضعیف موقعیت ایران در زمینه تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری

خارجی، صنعت جهانگردی و... به دلایل زیر است:

۱. مخاطرات جهانی شدن در تجارت خارجی ایران: جهانی شدن که از سال‌های آغازین دهه ۱۳۷۰ شمسی (۱۹۹۰ میلادی) رشد پرشتابی یافت، موجب کاهش رشد تجارت ایران شد. با گسترش عملی ایده جهانی شدن، تنزل رشد تجاری ایران نیز تشدید می‌شود. در دهه هفتاد اغلب صادرات ایران از نظر ارزش ریالی و حجمی با کاهش و واردات با افزایش مواجه بوده است. از این رو، کاهش نرخ رشد صادرات غیرنفتی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ به منفی ۵/۲ درصد، جای شگفتی ندارد، حتی صادرات سرانه کشور در ۱۳۷۶ پایین‌تر از بسیاری از کشورهای در حال توسعه بود. البته به روند این کاهش‌ها، عوامل داخلی اقتصادی چون ضعف بنیة تولیدی، تغییر قوانین اقتصادی، بروکراسی و تشریفات، کاهش سهم فن‌آوری، فعال نبودن مراکز پژوهشی، مشکلات حمل و نقل و... را باید افزود، ولی سهم عوامل داخلی در مقایسه با عوامل شیطانی خارجی، چون ایجاد موانع غیرتعرفه‌ای، تحریم‌های اقتصادی، اخذ مالیات‌های اضافی، مخالفت مستمر آمریکا با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی اندک است. (جعفری، ۱۳۸۰: ۱۴۱)

۲. جهانی شدن و بی‌میلی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران: میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، در دهه هفتاد شمسی اغلب کم و منفی بوده است. این امر در حد زیادی ناشی از تشویق دولت‌های خارجی به انتقال سرمایه داخلی به خارج و مخالفت با سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بوده است. بنابراین، در این مورد هم نقش عوامل خارجی بیش‌تر از عوامل داخلی است، از جمله نقش تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا علیه ایران، بسیار تعیین‌کننده ارزیابی می‌شود. این مخالفت‌ها به آن جهت صورت می‌گیرد که اگر سرمایه‌گذاری خارجی درست انجام شود، آثار منفی استقراض خارجی را برطرف می‌کند و مانع از استقراض خارجی جدید می‌گردد. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند در گسترش اشتغال، تربیت نیروی انسانی ماهر، افزایش کارایی تولید، رشد بهره‌وری و سرانجام تقویت بنیة اقتصادی کشور مؤثر شود. البته در عمل برخلاف شعار آزادی سرمایه‌گذاری خارجی، بخش اعظم سرمایه‌گذاری در کشورهای ثروتمند جهان انجام می‌گیرد و قلیلی از کشورهای جهان سوم از آن بهره‌مند شده‌اند، آن هم به میزان اندک. این به آن معناست که جهان سومی‌ها به حال خود رها شده‌اند و این رهاشدگی در عصر جهانی شدن (جهانی‌سازی) افزایش می‌یابد. (جعفری، ۱۳۸۰: ۱۴۵)

۳. تلاش برای کاهش درآمدهای توریستی ایران: ایران یکی از ده کشور جهان از نظر دارا

بودن جاذبه‌های گردش‌گری است. مراکز دینی، آثار باستانی، جلوه‌های طبیعی و... به جاذبه‌های کم‌نظیر گردش‌گری ایران افزوده است، اما از لحاظ جذب گردش‌گر، ایران در مقام هفتادمین کشور جهان قرار دارد. ایران از نظر درآمدهای صنعت گردش‌گری، در رتبه هشتاد و نهمین کشور جهانی جای می‌گیرد! این مسئله در حد بسیاری به موانع اداری، سیاسی و تبلیغی برمی‌گردد که جهان غرب علیه ایران به راه انداخته است.

البته نقش عوامل داخلی هم جای توجه دارد، ولی نقش دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌های گروهی غرب در ارائه چهره بد، نامطلوب، پلید و شیطانی از ایران، انقلاب اسلامی و اسلام شیعی هم برجسته و مؤثر بوده است. این اقدام نه تنها به کاهش گرایش توریسم به ایران انجامیده، بلکه به افزایش مهاجرت‌ها یا سفرها و انتقال پول و سرمایه ایرانیان به خارج کشور مدد رسانده است. برای مثال، در ۱۳۷۶ رقم گردش‌گران در سطح دنیا ۶۱۳ میلیون نفر و درآمدهای ارزی آن ۴۴۴ میلیارد دلار، ولی در ایران، این رقم به ۷۶۴ هزار نفر و ۳۵۲ میلیون دلار بود. عوض، در همین سال، حدود ۱/۴۰۰/۰۰۰ ایرانی به کشورهای خارجی سفر کرده‌اند. (جعفری، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

۴. افزایش تهدیدات علیه نفت و گاز ایران: با پایان جنگ سرد، رقابت بر سر گسترش تجارت و دسترسی آسان‌تر به انرژی و کانون‌های تولید آن (خاورمیانه، خلیج فارس و دریای خزر) شدت یافت. به دیگر بیان، طرح نظم نوین امریکا با حمله به عراق در ۱۹۹۱ عملیاتی شد و کشمکش سال‌های آغازین هزاره سوم میلادی بین عراق و امریکا، جهانی شدن (جهانی‌سازی) به رهبری امریکا را سرعت بیش‌تری بخشید. از اهداف این جنگ و گریزها، نظارت و دخالت مستقیم بر بازار نفت و قیمت‌گذاری و نظارت آن است. این مسئله از نظر آنان با افزایش رو به رشد نیازمندی‌های غرب به نفت، اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل، با کاهش قدرت ملی روسیه و پیدایش ملی‌گرایی و استقلال کشورهای جدید در حوزه دریای خزر، حضور شرکت‌های بزرگ نفتی غربی به منطقه افزایش یافت. در این شرایط، امیدی به اوج‌گیری اختلافات امریکا و روسیه هم نمی‌رود تا فضایی برای بیرون‌رفت ایران از فشارهای غرب فراهم شود، بلکه غرب می‌کوشد روسیه را به شکل‌های مختلف، به سوی خود جذب کند. پذیرش عضویت روسیه در گروه کشورهای صنعتی جهان که عملکرد و اهداف آن، با عملکرد سایر اعضا تفاوت معناداری ندارد، در همین راستا تفسیر می‌پذیرد و البته وابسته بودن اقتصاد ایران به نفت که قیمت آن در بیرون از مرزهای ملی مشخص می‌شود، یک تهدید است که اینک بیش از گذشته، دست‌مایه سردمداران جهانی شدن علیه ایران شده است.

(جعفری، ۱۳۸۰: ۱۵۴)

۵. فشار برای حذف یارانه‌ها در ایران: یکی از جلوه‌های جهانی شدن (جهانی‌سازی)، سازمان تجارت جهانی است و این سازمان، متولی تعیین حد و مرزهای تجارت و مقررات تجاری بین‌المللی به شمار می‌رود. از توصیه‌های جدی سازمان تجارت جهانی به کشورهای متقاضی عضویت، حذف یارانه‌های آشکار و پنهان است، در حالی که در هیچ کشور جهان، یارانه‌ها به کلی حذف نشده است، مثلاً در همه دنیا قاعده آن است که برای کاهش آلودگی محیط زیست، به بخش حمل و نقل عمومی یارانه بپردازند، ولی این سازمان و حتی بانک جهانی، خواهان حذف یارانه‌ها در ایرانند، اما گاه با حذف یارانه‌ها، ممکن است مردم گرسنه بمانند، بمیرند یا به شورش دست بزنند. هیچ یک از این‌ها برای سازمان تجارت جهانی که از بازوهای جهانی شدن (جهانی‌سازی) به شمار می‌رود مهم نیست. جالب آن که غربی‌ها که شعار اقتصاد آزاد را در فرآیند جهانی شدن سر می‌دهند، نه به رقابت منصفانه اقتصادی دست می‌زنند و نه عدالت اقتصادی را اجرا می‌کنند، بلکه حاصل اقتصاد غربی برای جهان‌سومی‌ها، فقر بیش‌تر و رکود افزون‌تر بوده است. (ولایتی و دیگران، ۱۳۸۰: ۷۹)

۶. جلوگیری از صدور فن‌آوری پیشرفته به ایران: کشورهای غربی از صدور دانش فنی به ایران مخالفت می‌کنند و از مشارکت ایران در عرضه فن‌آوری تولید، بازاریابی توزیع و فروش محصولات صنعتی ناخشنودند. آنان مایل نیستند با افزایش قیمت نفت، ایران به رشد اقتصادی بیش‌تر دست یابد و درصددند با افزایش قاچاق مواد مخدر به ایران، امنیت اجتماعی ایران را که شرط اساسی در توسعه اقتصادی است به هم بزنند. به طرق مختلف فرار مغزها و جذب آن را تعقیب می‌کنند، و این به معنای تهی کردن ایران از نیروی کارآمد برای ساختن اقتصادی پویا به شمار می‌رود. شرکت و کشورهای خارجی طرف قرارداد یا مایل به همکاری با ایران را تحت فشار قرار می‌دهند. البته هیچ یک از اقدامات فوق، تازگی ندارد، ولی بر شدت آن در یک و نیم دهه گذشته افزوده شده، یعنی از زمانی که نخست نظم نوین جهانی و سپس جهانی شدن به سردمداری امریکا مطرح و تعقیب شده است. (ولایتی و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۰)

د) سیاست

در سلسله مراتب قدرت نظام بین‌الملل، ایران را از گروه کشورهای «متوسط» به شمار می‌آورند. «متوسط» به کشورهایی گفته می‌شود که هم بر مسائل داخلی تأثیر می‌گذارند و هم بر مسائل منطقه‌ای، در حالی که انقلاب ایران حتی در سطح جهان هم تأثیر گذارده است.

البته این به معنای آسیب‌ناپذیری ایران در فرآیند جهانی شدن نیست.

۱. ستیز با استقرار نظم جدید اسلامی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تضاد با جهانی شدن است؛ زیرا اصول و اهداف سیاست خارجی ایران عبارتند از:

- تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام؛

- حمایت از مستضعفان جهان در قبال مستکبران؛

- دفاع از حقوق مسلمانان در سراسر جهان؛ (محمدی، ۱۳۶۶: ۳۷)

- اجرای سیاست نه شرقی و نه غربی و... در حالی که امریکا با عنوان سردمدار جهانی‌سازی، تنها در پی برقراری حکومت جهانی به رهبری مسیحیت دولتی امریکایی است، حمایت از مستضعفان را مردود و مذموم می‌داند، مسلمانان جهان را تروریسم می‌شمارد و هر کس با او همراه نباشد، علیه خود می‌شمارد. بنابراین، هر یک از اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تناقض آشکار با جهانی‌سازی به سبک و شیوه غربی است. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران، نظام حاکم بر جهان را نظامی غیرعادلانه، زورگر، غارت‌گر می‌شناسد که اصلاً برای معنویت و عقلانیت الهی و آسمانی ارزشی نمی‌نهد. در عوض، انقلاب اسلامی به دنبال استقرار نظم جدید است که در آن، مادیت و معنویت هم‌سنگ و هم‌آهنگ پیش می‌روند. امریکا برای استقرار ایده جهانی‌شدن خود به مقابله با اندیشه غیرزمینی انقلاب اسلامی آمده است. با توجه به این در چند دهه پس از انقلاب اسلامی، با وجود وقوع رفتارهای گوناگون در سیاست خارجی، تغییر مبنایی در سیاست خارجی ایران اتفاق نیفتاده است. در این راستا، افزودن سه اصل عزت، حکمت و مصلحت به تدبیر مقام معظم رهبری به مجموعه اصول سیاست خارجی، به معنای تقویت سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود. (فاخری، ۱۳۷۹: ۵۷۸)

۲. غیرایده‌ولوژیک‌سازی سیاست خارجی ایران: جهانی شدن (جهانی‌سازی)، تعداد بازیگران ملی و منطقه‌ای را افزایش می‌دهد که حاصل آن، تجزیه قدرتی خواهد بود که پیش از این، مقاومت بیش‌تری در برابر سیاست‌های یک سوئه جهانی‌سازان داشت. در این شرایط جدید، جهانی‌سازان با توجه به امکانات مالی و ارتباطی وسیعی که در اختیار دارند، کشورهایی چون ایران را وادی دارند که از شعارهای ضد استکباری خود دست بردارند و نیز، موانع بی‌شماری را برای کاهش امکانات توزیع ارزش‌های جهانی انقلاب اسلامی ایجاد می‌کنند. همچنین، از جابه‌جایی مفهوم شرق و غرب با شمال و جنوب خودداری می‌کنند؛ به آن جهت که عبارت شمال و جنوب یک مفهوم باارزش اقتصادی‌تر است، اما عبارت شرق و غرب از

اهمیت ایدئولوژیک و فرهنگی تر برخوردار است. جهانی سازان از ترویج اصطلاح دارالکفر و دارالاسلام بیم ناکند و ترجیح می دهند که به جای آن، همان اصطلاح سنتی و کم تأثیرتر مسلمانان و غیرمسلمانان به کار رود. تصمیم سازان و تصمیم گیران جهانی شدن از گسترش مفاهیمی چون مستضعفان و مستکبران نگرانند و درصدد آن را با اصطلاحات کم خطرتری مانند کشورهای مرکز و پیرامون پر نمایند. به هر روی، مقابله آشکار و روبه رشد با ارزش های سیاسی متأثر از انقلاب اسلامی به معنای مخالفت غرب با صدور انقلابی ارزش های جهان اسلام و به بیان دیگر، به مفهوم غیرایدئولوژیک کردن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در صورت غیرایدئولوژیک شدن سیاست خارجی ایران، ایران به جای اصالت دادن به مصالح اسلامی در سیاست خارجی، تنها به منافع ملی توجه خواهد کرد. (فاخری، ۱۳۷۹: ۵۷۹)

۳. ایجاد نگرش اقتصادی به تحولات بین المللی در نظام سیاسی کشور: محور برنامه ریزی و برنامه سازی جهانی شدن یا جهانی سازی، اقتصاد و امور مالی است. البته این به معنای آن نیست که جهانی شدن تنها دارای ابعاد اقتصادی، تجاری و مالی است، ولی بیش ترین ابعاد جهانی شدن در اقتصاد ظهور یافته، مؤسسات اقتصادی بین المللی در عرصه اقتصاد فعال تر بوده و شرکت های چندملیتی، اغلب اقتصادی اند یا با انگیزه های اقتصادی فعالیت می کنند. به همین دلیل، نگرش اقتصادی به تحولات بین المللی و در تجزیه و تحلیل امور سیاسی و دیپلماسی از ملزومات جهانی شدن به شمار می آید. به هر روی، نقش تجارت خارجی در حمایت مالی از سیاست خارجی را نمی توان نادیده گرفت. از این رو، آن دو را مکمل هم می دانند و به ترکیب آن ها، دیپلماسی تجاری نام می نهند. همچنین باید توجه داشت که مردان سیاست در چرخه دموکراتیک غرب با حمایت های مالی گسترده بنگاه های مالی به قدرت می رسند و لذا در دوره تصدی گری سیاسی، ناچار به تبعیت از خواسته های پشتیبان مالی خود هستند. خلاصه این که مسائل فوق، منطق اقتصادی را در سیاست خارجی دامن می زند و سیاست خارجی را به سوی هماهنگی و مشارکت با بخش اقتصادی سوق می دهد. در این راستا، پیش قراولان جهانی سازی می کوشند دیدگاه های دستگاه سیاست گذاری خارجی ایران را بر منافع اقتصادی استوار سازند. در این صورت، تشابه فراوانی بین تصمیم گیری های سیاست خارجی ایران و غرب پدید خواهد آمد. (فاخری، ۱۳۷۹: ۵۷۷)

۴. همسان سازی حقوق بشر (!؟): کلینتون ریاست جمهوری دهه نود امریکا، در یک سخنرانی در سازمان ملل متحد، حقوق بشر را ودیعه ای الهی نامید که به همه انسان ها ارزانی شده تا از این موهبت الهی در سراسر جهان یک نواخت یکسان است. به نظر می رسد مراد وی

از یکی بودن حقوق بشر در همه جهان آن بود که باید این حقوق، امریکایی باشد. به این دلیل، آن‌ها ارزش‌های دیگر را نمی‌پذیرند و آن ارزش‌های بومی، ملی و مذهبی را با هیاهوی تبلیغاتی به حاشیه می‌رانند. البته گاه نیز مساعی دیگر مکاتب حقوقی در جدال با مکتب حقوقی مسیحیت دولتی امریکایی به پیروزی انجامیده است. اگر مقاومت کشورهای اسلامی و واتیکان نبود، آن‌ها در یکی از کنگره‌های اجتماعی سازمان ملل متحد که هم در پکن و هم در کپنهاگ برگزار شد، ازدواج دو مرد و دو زن با همدیگر را به منزله قانون بین‌المللی تصویب می‌کردند. بنابراین، حقوق بشر در فرآیند جهانی شدن، مفهوم امریکایی دارد و بر این پایه، بارها امریکایی‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که امریکا در آن نفوذ فراوانی دارد، وضعیت حقوق بشر در ایران را محکوم کرده‌اند، در حالی که کم‌تر اتفاق افتاده که امریکا و سازمان‌های مذکور وضعیت اسف‌بار حقوق بشر در دوره پهلوی دوم را محکوم کرده باشند و اینک نیز به رغم تعرض پی‌در پی و عمیق به حقوق بشر در فلسطین اشغالی، هیچ‌گاه اسرائیل غاصب در نزد امریکای جنایت‌کار محکوم نشده و مهم‌تر از آن، تضییع حقوق بشر سیاهان و سرخ‌پوستان امریکایی، عمداً از نگاه سیاست‌مداران آن کشور و سازمان‌های مسئول بین‌المللی مخفی مانده است. (ولایتی و دیگران، ۱۳۷۹: ۹۲)

۵. ترویج ارزش‌های سیاسی امریکایی: آلبرایت، مجری سابق سیاست خارجی امریکا، با حضور آقای هایدر در حکومت ائتلافی اتریش که در انتخابات آزاد و دموکراتیک برگزیده شد، مخالفت ورزید؛ تنها به آن علت که هایدر با سیاست‌های امریکا موافق نبود. این مسئله نشان می‌دهد که امریکا می‌کوشد سیاست‌مداران هماهنگ که با ارزش‌های سیاسی آن کشور را ترویج، تقویت و تثبیت نماید. چنین نگرشی در درون مرزهای امریکا هم وجود دارد. برای مثال، علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه سال‌های جنگ می‌گوید: از پرز دکوئیار، دبیر کل سابق سازمان ملل متحد، در جریان مذاکره ایران و عراق پرسیدم، در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، دکاکیس یونانی‌الاصل رأی می‌آورد یا بوش پدر؟ او گفت: امریکایی‌ها به کسانی که رنگ مو، پوست و چشم‌شان مثل من و توست، رأی نمی‌دهند، این‌ها به بوش رأی می‌دهند که چشم‌هایش سبز است. دکوئیار غربی و مسیحی که در رأس بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی قرار دارد، بر این باور بود که در جهانی شدن امریکایی، هیچ چیز غیر امریکایی وجود ندارد. بر این اساس، امریکایی‌ها، بعد از انقلاب اسلامی، تنها از آن دسته جریان‌های سیاسی حمایت کرده‌اند که به ارزش‌های دموکراتیک امریکا معتقد بوده‌اند. این حمایت‌ها در دوره موسوم به جهانی شدن (جهانی‌سازی) شدت یافته، تا حدی که بوش پسر، رسماً از جریان سیاسی خاصی

در ایران پشتیبانی نموده است. هدف امریکا آن است که از طریق حمایت‌های سیاسی از سیاست‌مداران متمایل به ارزش‌های سیاسی امریکایی، نظام جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی را استحاله کند یا تغییر دهد. (ولایتی و دیگران، ۱۳۷۹: ۹۳)

انقلاب اسلامی ایران، راهبرد و راه‌کار مقابله با جهانی شدن (جهانی سازی)

جهانی شدن، چه به منزلهٔ پروسه‌ای طبیعی تاریخی، یا پروژه‌ای برنامه‌ریزی شده، واقعیت اجتناب‌ناپذیر عصر حاضر است. با وجود این دست‌یابی به توسعه نیازمند تعامل و مفاهمه با جامعهٔ جهانی یا پدیدهٔ جهانی شدن است و از سوی دیگر، تعامل با جهانی شدن، خطر هضم یا دست‌کم، استحالهٔ باورهای دینی را به دنبال دارد. از این رو، باید دید جمهوری اسلامی ایران که حاصل انقلاب اسلامی است، چه راهبرد و راه‌حلی برای مقابله با جهانی شدن (جهانی سازی) باید برگیرد تا از آسیب‌هایش که بیش از مزایای آن است، در امان بماند؟ گمان‌نگارنده بر این است که رویکرد مهدوی می‌تواند انقلاب اسلامی را از آسیب‌های جهانی شدن یا جهانی سازی غربی برهاند و آن را به زمینه‌ساز ظهور منجی عالم بشریت مبدل نماید. مواجهه با جهانی شدن یا جهانی سازی از دیدگاه اسلامی (رویکرد مهدوی) را باید در سه سطح زیر دید؛ سه سطحی که انقلاب اسلامی جرقهٔ آن را زد و در نیل به آن، زمینه و بسترش را فراهم می‌آورد:

سطح اول. فراهم‌آوری انگیزه‌ها و معیارها

مصلحان اجتماعی و صاحب‌نظران فلسفهٔ سیاسی، درمان دردهای جامعه بشری و برطرف شدن تضادها، استثمارها، استبدادها، استعمارها، فاصله‌کشورها و انسان‌ها و... را در پرتو نظام واحد و جهانی سازی مدیریت اجتماعات انسانی، امکان‌پذیر می‌دانند؛ مدیریت واحدی که از هر گونه جانبداری، نژادگرایی، طبقه‌پروری و... دور باشد و بر پایهٔ قانون عدل و مساوات با همه رفتار کند و نه تنها در روابط فردی و گروهی، بلکه در روابط کشورها و روابط میان ملل، قانون عدل و معیارهای انسانی را حاکم کند.

اندیشمندانی که به چنین اصولی پی بردند، در شکستن مرزهای جغرافیایی و زبانی و... تلاش کردند تا هر آن‌چه را که مانع یکی شدن انسان‌ها می‌شود، از سر راه بردارند. بنابراین، می‌توان گفت موضوع اندیشهٔ جهانی، پیشینه‌ای به درازای تاریخ تمدن و فرهنگ انسانی دارد و در این منظر، اصل جهانی شدن پدیده‌ای است که روند طبیعی دارد و در آن، دنیای انسان‌ها، جهانی یگانه و دارای شرایطی همسان است و جهانی شدن به مجموعه انگیزه‌ها،

هدف‌ها و اندیشه‌ها و تلاش‌های کسانی بستگی دارد که برای این برنامه می‌کوشند و برای تحقق آن، وسایل را فراهم می‌کنند، و به زمینه‌سازی‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی آن می‌پردازند یا مانع آن می‌شوند. در این صورت است که نگرش مثبت و منفی به جهانی‌سازی به وجود می‌آید و ممکن است حرکت جهانی‌سازی مفید و انسانی باشد یا منفی و غیرانسانی. انگیزه جهانی‌سازی سوق دادن انسان‌ها و جامعه‌ها به شرایط واحد اقتصادی و سطح معیشتی و بینش‌های فراگیر و رفع تبعیض در سطح همه جامعه‌های انسانی است و گاه نیز انگیزه‌های سیاست‌مداران، اقتصاددانان و جامعه‌شناسانی که در روند جهانی‌سازی می‌کوشند جهانی نابرابر به محوریت و برتری نظام‌های فکری و اقتصادی، سیاسی غرب بیافریند، هدفشان تسلط یک قاره یا بلوک بر کل بشریت است. (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۱)

قرن‌هاست که مصلحان و اندیشمندان، طرح ادارهٔ اجتماعات انسانی از یک مرکز و توزیع عادلانهٔ منابع میان همهٔ افراد انسانی را مطرح کرده‌اند، و شاید اندیشهٔ سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان ملل متحد، بانک جهانی، یونسکو، بهداشت جهانی و... همه با استفاده از همین زمینهٔ قبلی و تمسک به همین منطق مطرح شده باشد، ولی انگیزهٔ کلی دعوت‌کنندگان غربی در این راستا، تأسیس نظام سرمایه‌داری سودطلبانه است و در این راه، از شعارها و آرمان‌ها سوءاستفاده می‌کنند. حتی مؤسسات جهانی چون بانک جهانی، سازمان ملل و... را برای گسترش سلطهٔ بیش‌تر خودشان تشکیل داده و به کار گرفته‌اند، و از جهانی‌سازی مفهومی ضدانسانی اراده می‌کنند که منظور آنان سلطهٔ بلوک غرب بر دیگر بخش‌های جهان است. البته انسان‌های عدالت‌خواهی نیز بوده‌اند که از فاصله‌ها و تبعیض‌ها به ستوه آمده و درصدد چاره‌ای برای دردهای انسان بوده‌اند و با طرح شعار جهانی‌سازی برای همهٔ انسان‌ها، در این اندیشه به سر می‌بردند تا تبعیض‌ها را محو کنند و انسان‌ها را به سرمنزل آرامش و آسایش برسانند. بهترین تعبیر در این باره سخن امام صادق علیه السلام است:

فَإِنَّكَ إِذَا تَأَمَّلْتَ الْعَالَمَ بِفِكَرِكَ وَ خَبَّرْتَهُ بِعَقْلِكَ، وَجَدْتَهُ كَالْبَيْتِ الْمُبْنِيِّ الْمُعَدِّ فِيهِ جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادُهُ... الْإِنْسَانُ كَالْمَلِكِ ذَلِكَ الْبَيْتِ وَ الْحَوَّلِ جَمِيعُ مَا فِيهِ؛ (حنفی، بی‌تا: ۴۷)

چنان‌چه در اندیشهٔ خود دربارهٔ جهان تأمل کنی و به عقل خود درصدد شناخت آن برآیی، آن را همچون خانه‌ای خواهی دید که ساخته و پرداخته شده و هرچه مورد نیاز بندگان بوده در آن فراهم آمده است... و انسان همچون مالک این خانه شده که هر آن‌چه در آن است به خواست خدا در اختیار وی قرار گرفته است.

در تعالیم اسلامی، کرهٔ زمین، به «بیت» و خانه، تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و

رنگ و زبان مالک این خانه به حساب آمده است. این تعبیر، آموزش نگرش های فرامنطقه ای و فراقاره ای و آموزش اصل جهان وطنی و جهان گرایی با اهداف انسانی است. این رسالت جهانی درباره پیامبر اسلام بهتر مطرح شده است:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾؛ (اعراف: ۱۵۸)

بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.

پیامبر اسلام، حکومت ها و دولت هایی را که میان ملت ها فاصله افکنده اند و سرزمین ها را میان خود تقسیم کردند به رسمیت نمی شناسد و همه آن ها را به یک دین و دولت واحد فرامی خواند. در واقع، نگرش قرآن به انسان و رهبران الهی به جامعه انسانی، فراگیر و جهانی است که هیچ حد و مرز و مانعی نمی شناسد. از ویژگی ها و امتیازهای جهانی سازی اسلامی، تبیین روشن اصول، معیارها و اندیشه های جهانی و انسان گرایی راستین، در عین جهان نگر و جهانی سازی و کنار زدن هدف ها و انگیزه های غیر انسانی در آن است.

جهانی سازی اسلامی بر محور حق و عدل استوار است و با هر گونه مانعی برای دست یابی به حقوق انسان ها می ستیزد. در نتیجه امت واحد و اجتماعی یگانه از همه افراد انسانی تشکیل می گردد. جهانی سازی اسلامی راهی به میانه در پیش می گیرد و فردگرایی سرمایه داری را اساس قرار نمی دهد، بلکه با گرایش بنیادی و اصولی به محور حق و عدل در حیات انسان، رشد و تعالی هویت فردی و آزادی های انسانی را با ارزش های جمع گرایی و منافع و حقوق اجتماعی همراه می سازد. اسلام در گام های اولیه جهانی سازی، به فرهنگ سازی اقدام می کند و اندیشه وحدت و نظر را میان انسان ها به وجود می آورد، عوامل تفرقه افکن را نفی می کند و اندیشه برادری و برابری همه انسان ها را ترویج می کند. اسلام به جهانی سازی علم، دانش، دانایی، فن آوری و بیداری فکر می کند و پیامبران الهی به گسترش دانایی و بیداری احساس های خفته در همه انسان ها پرداخته اند. از اصول جهانی سازی اسلامی، نفی هر گونه سلطه طلبی و خودکامی انسان های مظلوم در سطح جهان است که قانون اساسی جمهوری اسلامی بدان اشاره دارد. از معیارهای بسیار اصولی در جهانی سازی، جهانی سازی عدل، در روابط افراد و گروه هاست. اصول عدالت در اسلام، جهانی است و هیچ یک از حد و مرزها را نمی شناسد و در جهانی سازی اسلامی عدالت میان انسان ها به دقت عملی می شود. (حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

روابط استثمار می مشکل بشریت در همه زمان ها بوده است و هر ایدئولوژی که به انسان ها می اندیشد باید با این پدیده ویران گر در سطحی جهانی به ستیز بپردازد. پیامبران در

دعوت‌های خود انسان‌ها را از استثمار دیگران بیم می‌دادند و هر گونه استثمار را محکوم می‌کنند. اصولاً جهانی‌سازی که در دوران ما تبلیغ می‌شود، مفهومی سلطه‌طلبانه و استعماری دارد. جهانی‌سازی غربی شاخه‌هایی دارد، مثل شیوه تجارت جهانی که صنایع داخلی جهان سوم را دچار ورشکستگی می‌کند و بسیاری از صنایع آن کشورها را می‌برد و از بین افکار عمومی را از طریق تبلیغات و مخارج گزافی که برای آن صرف می‌شود، در اختیار می‌گیرد و با نفوذ در شبکه‌های تلویزیونی و سانسور انتقادات، بر آن‌ها نظارت می‌کند.

از ویژگی‌های تعالیم اسلامی که در انقلاب اسلامی تبلور یافته، وعده به جهانی‌سازی و آینده تاریخ است. حقیقت این است که بشر با همه تضادها و جنگ‌ها در طول تاریخ، سرانجام به یگانگی دست پیدا می‌کند. این وعده راستین، جهانی‌سازی در دوران عدل مهدی علیه السلام است. خطوط کلی این جهانی‌سازی از قرن‌ها پیش مشخص و از آغاز دعوت جهان اسلام به این جهانی‌سازی اشاره شده است. معیارها و اصول و اهداف جهانی‌سازی مهدوی بر پایه انسان‌گرایی و حقوق انسان‌ها و ارزش‌های والا است. از برنامه‌های امام مهدی علیه السلام تشکیل حکومتی فراگیر جهانی است و بدترین و ضدارزش‌ترین نظام‌های کنونی را پایان تاریخ می‌نامند. (حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۶)

سطح دوم. اسلام و ارائه تصویری از جهانی‌سازی

در گام نخست، اسلام به انگیزه‌ها رویکرد به جهان‌گرایی مهدوی و معیارهای آن ارائه کرده است و در گام بعدی، نمایی از جهانی‌سازی غربی را به تصویر می‌کشد. این مطلب را می‌توان بدین شکل توضیح داد:

نگرش‌ها و رویکردهای متفاوتی در مورد پدیده جهانی شدن وجود دارد؛ شاید به آن علت که جهانی شدن دارای دو چهره ایدئولوژی و تکنولوژی است. اسلام و تعالیم دینی با روند تکنولوژی جهانی شدن بیش‌تر می‌تواند تعامل و سازگاری داشته باشد، اما در روند ایدئولوژیک، اسلام و جهانی شدن تعارض بیش‌تری دارند. وجوه گوناگون جهانی شدن از چهره‌های مختلف را رابرتسون و کاستلز نیز تأیید می‌کنند.

به گفته رابرتسون، جهانی شدن پدیده‌ای چندبعدی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. کاستلز معتقد است که همه جهان جدید به صورت شبکه‌ای درآمده که بافت اصلی و تار و پود آن را اطلاعات و نظام ارتباطات الکترونیک تشکیل می‌دهد. ریشه و عوامل شکل‌گیری جهان نو یا جهان شبکه‌ای بر اثر تقارن تاریخی سه فرآیند مستقل پدیدار شد: انقلاب تکنولوژیک اطلاعات، بحران‌های اقتصادی و رشد سرمایه‌داری. از این رو به عقیده

کاستلزی یکی از ویژگی‌های مهم جهانی شدن تکنولوژی اطلاعات، سرعت و شتاب بی‌سابقه‌ای است که سپرهای طبیعی و فرهنگی را در معرض تغییر و تحول اساسی قرار داده است و در نتیجه برای زیست و حیات در نقاط مختلف جهان الگوی جدید ایجاد کرده است. منظور کاستلز از بُعد و چهره تکنولوژیک جهانی شدن، توسعه و گسترش تکنولوژی ارتباطی جمعی به ویژه تکنولوژی اطلاعاتی است و نیز تجارت کشورها از طریق شبکه‌های اینترنت، ماهواره و رایانه تأمین می‌شود. امروزه مردم قادر هستند که اطلاعات مورد نیاز خود را به صورت مستقیم از این وسایل به دست بیاورند. بنابراین، جهانی شدن تکنولوژی، توسعه ابزارهای جدید اطلاعاتی به منظور تبادل افکار، نگرش‌ها و باورهاست و این تکنولوژی جدید ممکن است آثار مثبت و منفی از خود به جای بگذارد. انقلابی که در غرب صورت گرفت ساختار اجتماعی، اقتصادی غرب را تغییر و تحول داد و تکنولوژی به صورت یک انقلاب، ساختار اجتماعی اقتصادی جوامع سنتی را نیز تغییر داد. تکنولوژی جدید دارای ماهیت فراگیر و انعطاف‌پذیر است. تکنولوژی یکی از دست‌آوردهای بشری در فرآیند جهانی شدن است و به نقاط مختلف انتقال پیدا کرده است. به هر روی، اسلام با بعد تکنولوژی جهانی شدن سازگار است و آن را قبول دارد. (شیرخانی، ۱۳۸۱: ۱۵)

تکنولوژی به منزله دانش فنی برای دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در حوزه روش‌هاست و این روش‌ها از طریق تجربه‌های جوامع انسانی به دست می‌آید و جامعه اسلامی نیز می‌تواند این تجربیات و فنون را به استخدام گیرد، تکنولوژی به منزله ابزار و پدیده‌ای فرارزشی است و مشروط و منوط به فرهنگ و اندیشه خاص نمی‌شود. البته دین به منزله مجموعه‌ای از احکام و عقاید همه امور زندگی را در حوزه خود قرار می‌دهد و ناگزیر است که از تکنولوژی فرهنگی و اجتماعی استفاده کند. بنابراین، جهان اسلام در مسیر دستیابی به توسعه، به علم و فن‌آوری غربی نیازمند است ولی مسلمانان می‌دانند که استفاده از علم غربی بدون اخذ ارزش اخلاقی آنان امکان‌پذیر نیست.

بعد ایدئولوژیک جهانی شدن تعارض‌های بیش‌تری با اسلام دارد. بعد ایدئولوژیک جهانی شدن مربوط به باید و نبایدهای زندگی انسان‌هاست و جهانی شدن از نظر فرهنگ نیز بعضی از ارزش‌ها و آرمان‌ها را به جوامع بشری می‌آموزد و آن‌ها را راهنمایی می‌کند. در این راستا می‌توان گفت جهانی شدن سیاست، فرهنگ و... برخی از ارزش‌های غربی را با خود دارد که با باورهای اسلام در تعارض است. به نظر نوام چامسکی متفکر معروف امریکایی، جهانی شدن به مفهوم جهانی‌سازی فرهنگی چیزی جز تبلیغات نیست. هدف از این جهانی

شدن، سلطه بر کشورهای دیگر است، بنابراین، جهانی شدن، جهان عرب و اسلام را تهدید می‌کند. به نظری میان باورهای فرهنگی جهانی شدن با فرهنگ اسلامی تعارض و تضاد وجود دارد. روزه گارودی هم در این باره می‌گوید: وحدتی که حاکمان امریکایی و سیاستمداران اسرائیلی پدید آورده‌اند بر پایه هدف واحد ستیز با اسلام و آسیاست؛ زیرا این دو مانع سلطه جویی‌های امریکا و صهیونیسم هستند. جهان کنونی امکان دسترسی فرهنگ‌های جهان سوم به اطلاعات را ناممکن کرده است و اطلاعات به صورت یک سویه جریان دارد و کشورهای جهان سوم به صورت مصرف‌کننده اطلاعات عمل می‌کنند. شاید از این‌روست که بیش‌تر اندیشمندان مسلمان درباره پدیده جهانی شدن نگرشی انتقادی دارند، ولی نباید نادیده گرفت که جهانی شدن در آغاز با رشد و توسعه تجارت آزاد و به صورت اقتصاد واحد جهانی مطرح می‌شود و به تدریج عالم‌گیر می‌شود. (دهشیری، ۱۳۸۰: ۱۷)

پس اگر ریشه مشکلات جهانی شدن را در عدم توسعه دموکراسی و جهانی شدن را عالم‌گیر شدن ارزش‌های فرهنگی و الگوی اقتصادی غربی بدانند، در این میان جوامع اسلامی با تعارض باورها و آموزه‌های سیاسی و فرهنگی مواجه می‌شوند که مهم‌ترین تعارض، بعد ایدئولوژیک است، بنابراین، جهانی شدن، دگرگونی‌هایی را نیز در شخصیت افراد ایجاد می‌کند و این تغییرات و دگرگونی‌ها آن قدر وسیع است که زندگی خصوصی افراد را دچار تحول می‌کند. کشورهای اسلامی برای صنعتی شدن، تلاش زیادی در استفاده از غرب کرده‌اند، بدون این‌که به پیامدهای جهانی شدن از بعد فرهنگی و مذهبی توجه کنند. در اصل دین و باورهای اسلامی هویت جامعه مسلمانان مطرح است و از این‌رو، مرزی بین خودی و بیگانه وجود دارد، در حالی که در فرآیند جهانی شدن، کشورهای اسلامی چندان به این مرزبندی توجهی نکرده‌اند. گسترش فرهنگ مسلط از طریق بازارهای جهانی و شبکه ارتباطی و بین‌المللی شدن بر اساس ارزش‌های فرهنگی کشورهای صنعتی در واقع همان غربی‌سازی و امریکایی‌سازی است و این دو مقوله با فرهنگ اسلامی تعارض دارند؛ چون این‌ها، فرهنگ دینی و نظام ارزشی را تضعیف می‌کنند. (سجادی، ۱۳۸۱: ۲۹۶)

برخی نظریه‌پردازان جهانی شدن را به عنوان جهانی - محلی شدن یاد می‌کنند و معتقدند که جامعه اطلاعاتی با تضادی درونی همراه است؛ زیرا هم‌زمان با جهانی شدن، هویت‌های مذهبی، قومی، ملی در حال اوج‌گیری در برابر جهانی شدن است و جهانی شدن با هویت ملی و مذهبی در تعارض است. پیام انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آن است که حقیقت جهانی شدن از غرب آغاز شد و با توسعه اندیشه، ارزش و تکنولوژی غرب در ارتباط است. تقلید

کورکورانه جوامع مسلمانان، از غرب باعث وابستگی و همبستگی به فرهنگ غرب شده و بدین سبب این جوامع هویت اسلامی خود را از دست داده‌اند. از نظر پیشینه تاریخی نهضت اصلاح و احیای اندیشه اسلامی در جوامع اسلامی به تأثیر از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی اغلب در واکنش با گسترش استعمار فرانویین غربی، در جهان شرق به وجود آمده است. (آقای، ۱۳۸۱: ۱۳)

سطح سوم. مهدویت، جهانی شدن اسلامی

انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در فراهم‌آوری انگیزه‌ها و معیارهای جهانی شدن یا جهانی سازی اسلامی و ارائه‌ی نمایی از جهانی سازی غربی و اینک و در گام سوم، در ارائه‌ی الگوی مهدوی به منزله‌ی شکل عالی جهانی سازی یا جهانی شدن مهدوی مؤثر است، به واقع، مهدویت و جهانی شدن هر دو از مباحث مهم روزگار ماست. اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در یک معنای عام، باوری دینی در بین همه‌ی انسان‌هاست و از منجی تعبیر مختلفی چون کاکلی در آیین هندو، مسیحا در یهود و مسیحیت و مهدی علیه السلام در فرهنگ اسلامی یاد شده است. منجی یعنی گشودن یک راه جدید برای رسیدن به سعادت ابدی، اما از طرف دیگر با پدیده‌ی دیگری به نام جهانی شدن، یا به نظر مارشال مک‌لوهان، دهکده‌ی جهانی روبه‌رو هستیم. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم تحت تأثیر چنین پدیده‌ای در قرن ۲۱ خواهیم بود و این پدیده با مهدویت و ظهور منجی موعود ارتباط دارد. در واقع نسبتی بین جهانی شدن و حکومت حضرت علیه السلام وجود دارد و شاید جهانی شدن برای ما درک بهتر و روشن تری را از حکومت جهانی موعود ایجاد می‌کند. البته جهانی شدن در معرض انتقادهایی قرار می‌گیرد که لزوماً جهانی شدن در تمامی قرائت‌های خود با مهدویت اسلامی سازگاری ندارد. البته در سنت اسلامی ما تعبیر جهانی شدن به کار نرفته اما تعبیری چون حکومت جهانی اسلام، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و... به کار رفته است. (دهشیری، ۱۳۸۲: ۷۲)

کشورگشایی‌های پیشین امپراتوری‌ها و سلاطین نیز در حقیقت با نگاهی به جهانی شدن بوده است. مالکوم واترز هم عقیده دارد که جهانی شدن از زمان شروع تاریخ بشریت بوده است، ولی آن را بیش تر همزاد تجدد می‌داند؛ چون با فرآیندهای اجتماعی و صنعتی همراه بوده است. تا میلنسون نیز معتقد است که جهانی شدن، شبکه‌ای است که به سرعت گسترش پیدا کرده و مشخصه‌ی امروز آن، زندگی اجتماعی مدرن است. از این رو، این دو بر یک وضعیت ارتباطی خاص و فشرده در پدیده‌ی جهانی شدن تأکید دارند.

تطبیق مهدویت اسلامی و جهانی شدن ضرورت بسیاری دارد. باید بر بعد فکری و فرهنگی

تأکید کرد تا بتوان به آسانی اندیشهٔ جامعهٔ فاضله را با جهانی شدن امروزین مقایسه نمود. نتیجهٔ این مقایسه، غربی بودن جهانی شدن است. در حالی که جهانی شدن از طریق ماهواره و تکنولوژی ارتباطات غسل تعمید داده شده است، ولی جنبش اسلام‌گرایی با درک واقعیات، در ستیز با غرب است و عقیده دارد مدینهٔ فاضلهٔ اسلامی مهدوی به هیچ وجه با آن چه در غرب است، سازگاری ندارد، نگرش اسلام از معرفت و اعتقاد به انسان بر اصول منطقی قرار دارد و با نگرش مدرن یا با نگرش جهانی شدن بیگانه است. در جهانی شدن غربی، روش سکولاریسم حاکم است و در آن فهم بشریت در عقلانیت ابزاری خلاصه شده و آن نیز، حکم به مرگ خدا نموده و امر قدسی را از زندگی بشری جدا کرده است. جهانی شدن به دلیل رشد تکنولوژی ارتباطی در قرن ۲۱ به صورت کامل صورت گرفته و شاید به زودی به حد کمال خود برسد. در دوره‌های قبل کلام وسیلهٔ ارتباط بوده و انسان‌ها می‌توانستند از طریق لفظی و کتبی با دیگران ارتباط برقرار کنند، اما با تحولاتی که امروزه صورت گرفته ارتباط به صورت کمی و کیفی انجام می‌شود. در گذشته افراد آگاهی چندانی به محیط پیرامون خود نداشتند، اما در حال حاضر این آگاهی به علت رشد جهانی شدن فزونی پیدا کرده است. در دوره‌های گذشته قبایل و اقوام به دلیل تعلق مکانی و زمانی دارای هویت‌های مختلفی بودند، اما پدیدهٔ جهانی شدن باعث بحرانی در هویت آنان شده است. (سیدنورانی، ۱۳۷۹: ۱۵۸)

از نگرش اسلامی سرانجام تاریخ بشری تحقق وعدهٔ الهی، حاکمیت حق و مدینه فاضلهٔ اسلامی است. عصر مهدوی به قوم و قبیله و نژاد خاصی تعلق ندارد و این تدبیر الهی برای همهٔ انسان‌هاست. انتظار کشیدن ظهور منجی موعود، همان انتظار بشریت است که بر جهان حاکم است. مهدویت اسلامی بر فطرت بشری تأکید می‌کند. انسان‌ها فطرتاً هویت الهی دارند و از این رو، طالب جامعه‌ای جهانی و عادلانه‌اند. امام در جامعهٔ مهدوی، امام لطف الهی است و مردم را هدایت می‌کند و به سوی سعادت دعوت می‌کند و ویژگی عصر مهدوی بر خلاف عصر جدید تأکید بر فضیلت و سعادت بشر است. علم در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام پیشرفت می‌کند و فهم و آگاهی انسان دوچندان می‌شود. روایت شده است زمانی که امام ظهور کند دست خود را بر سر انسان‌ها می‌کشد و فهم و آگاهی آن‌ها را تکامل می‌دهد. علت تأخیر حکومت جهانی آن حضرت هم عدم شرایط و لوازم یا جهل و ناآگاهی مردم است.

اما اگر جهانی شدن را به معنای غربی شدن یا امریکایی شدن بدانیم با آموزهٔ دینی مهدویت اسلامی سازگاری ندارد. مهم‌ترین وجه تمایز آن‌ها در ایده‌ها و نظرات است. اگر جهانی شدن با اقتصاد و گسترش نظام سرمایه‌داری غربی همراه و همگام باشد با مهدویت

سازگاری ندارد، اما اگر جهانی شدن، همان فرآیند گسترش تکنولوژی ارتباطی باشد، با مهدویت اسلامی سازگاری دارد. پس جهانی شدن می‌تواند در راستای مهدویت قرار گیرد هر چند وضعیت فعلی جهانی شدن از چنین کارویژه‌ای برخوردار نیست، اما با ظهور و گسترش مهدویت محتوای چنین توانایی در وضعیت جهانی فراهم خواهد شد. این امر در سه دهه اخیر توسط انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دنبال می‌شود. تأکید انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آن است که از صدر اسلام تا پیش از انقلاب اسلامی را دوره شکل‌گیری انگیزه‌ها و ارائه معیارها در جهت رویکرد مهدوی تعیین و تبلیغ نماید و سی سال پس از آن را دوره نشان دادن چهره زشت جهانی شدن و جهانی‌سازی غربی و هم‌زمان و البته پس از آن، با تصویرسازی از جهانی شدن و جهانی‌سازی مهدوی، میل به تحقق آن را فراهم آورد. (بهرزولک، ۱۳۸۱: ۱۳۸)

نتیجه

جهانی شدن یا جهانی‌سازی پروژه‌ای است که کشورهای غربی به سردمداری امریکا برای چپاول جهان غیرغرب به راه انداخته‌اند و البته برای فریب دادن جهان غیرغرب، آن را به رنگ و لعاب فریبنده آراسته‌اند. این رنگ و لعاب همان آثار مفید ولی اندک جهانی شدن است، ولی تجربه کوتاه جهانی شدن نشان داده که مضرات آن برای جهان غیرغرب بیش از فوایدش است. ایران و انقلاب اسلامی هم از مضرات فراوان جهانی شدن مصون نیست. به علاوه، ایران انقلابی به علت تضاد ریشه‌ای با جهانی شدن غربی در معرض آسیب‌های بیش‌تری از جهانی شدن قرار دارد. تضاد اساسی ایران پس از انقلاب با پروژه جهانی شدن (جهانی‌سازی) به تفاوت جهان‌بینی آن دو برمی‌گردد یعنی انقلاب اسلامی در پی درانداختن جهان مطلوب دینی است و جهانی شدن نیز درصدد استقرار جهانی با الگوهای زورمدارانه امپریالیستی است. لذا انقلاب اسلامی ایران در مقابل جهانی شدن قرار دارد و جهانی شدن در برابر آن. در نتیجه انقلاب اسلامی ایران برای پرهیز از آسیب‌های جهانی شدن و مستقر کردن جهانی با الگوهای دینی باید و ناچار راهبردها یا استراتژی‌هایی برگیرد که برپایه آن، تاکتیک‌ها یا راه‌حل‌هایی را بیابد تا بتواند:

اولاً از میزان آسیب‌های جهانی شدن بر خود بکاهد و در مرحله بعد باید بکوشد از سد جهانی شدن بگذرد تا زمینه‌های استقرار حکومت مطلوب جهانی را که همان حکومت مهدوی است فراهم سازد.

منابع

۱. آقایی، مهدی، «ایران، فرصت‌های منطقه‌ای و جهانی شدن» هفته نامه پگاه حوزه، ش ۵۰، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱/۳/۴ ش.
۲. بهروزلک، غلامرضا، «مهدویت و جهانی شدن»، کتاب نقد، ش ۲۴ و ۲۵، تهران، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۱ ش.
۳. بیگدلی، علی، «جهانی شدن و امنیت ملی ایران»، فصل نامه/امنیت، ش ۲۱ و ۲۲، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، بهار ۱۳۸۰.
۴. تافلر، آلوین، جابه‌جایی قدرت، ترجمه: شهین دخت خوارزمی، تهران، سیمرغ، ۱۳۷۴ ش.
۵. جعفری، اصغر، «جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران»، فصل نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۲۰، تهران، وزارت اقتصاد و امور دارایی، زمستان ۱۳۸۰ ش.
۶. جعفری، محمدتقی، تکاپوگراندیشه‌ها، به اهتمام: عبدالله نصری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۶ ش.
۷. چامسکی، نوام، «ایران و فرآیند جهانی شدن»، روزنامه حیات نو، تهران، بخش خصوصی، ۱۳۷۹/۱۱/۶.
۸. حکیمی، محمد، «جهانی سازی اسلامی، جهانی سازی غربی»، کتاب نقد، ش ۲۴ و ۲۵، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۱ ش.
۹. حنفی، مفضل بن عمر، توحید المفضل، قم، نشر داوری، چاپ دوم، بی‌تا.
۱۰. دهشیار، حسین، «جهانی شدن: تک‌هنجاری طلبی ایالات متحده امریکا»، فصل نامه سیاست خارجی، ش ۲، تهران، وزارت امور خارجه، تابستان ۱۳۷۹ ش.
۱۱. دهشیری، حمیدرضا، «ایران و جهانی شدن، تهدیدها و فرصت‌ها»، فصل نامه مصباح، ش ۳۷، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، بهار ۱۳۸۰ ش.
۱۲. _____، «جهانی شدن و ارزش‌های دینی»، مجموعه مقالات جهانی شدن و دین، قم، دبیرخانه دین پژوهان کشور، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. رهدار، احمد، «جهانی شدن و خروج از تاریخ»، هفته نامه پگاه حوزه، ش ۹۰، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱/۱۲/۱۰ ش.
۱۴. زاهدانی، زاهد، «جهانی شدن و ادیان الهی»، مجموعه مقالات جهانی شدن و دین، قم، دبیرخانه دین پژوهان کشور، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. سجادی‌پور، محمدکاظم، «جهانی شدن و امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران»،

- فصل نامه سیاست خارجی، ش ۲، تهران، وزارت امور خارجه، تابستان ۱۳۷۹ ش.
۱۶. سجادی، عبدالقیوم، «اسلام و جهانی شدن»، کتاب نقد، ش ۲۴ و ۲۵، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۱ ش.
۱۷. _____، «جهانی شدن؛ چالشی بر مفاهیم ملی»، هفته نامه پگاه حوزه، ش ۴۵، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲/۱/۳۱ ش.
۱۸. سیدنورانی، محمدرضا، «جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه و ایران»، دوماه نامه سیاسی-اقتصادی، ش ۱۵۵ - ۱۵۶، تهران، روزنامه اطلاعات، مرداد و شهریور ۱۳۷۹ ش.
۱۹. شیرخانی، علی، «آینده باورها و اعتقادات دینی در پروسه جهانی شدن»، هفته نامه پگاه حوزه، ش ۸۰، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱/۹/۳۰.
۲۰. فاخری، مهدی، «جهانی شدن و سیاست خارجی، با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه سیاست خارجی، ش ۲، تهران، وزارت امور خارجه، تابستان ۱۳۷۹ ش.
۲۱. مارکوزه، هربرت، انسان تک ساختی، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران، نشر پایان، ۱۳۵۹ ش.
۲۲. محمدی، منوچهر، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۲۳. ولایتی، علی اکبر و دیگران، «فرآیند جهانی شدن، آثار و پیامدهای آن»، ماه نامه معرفت، ش ۴۴، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، مرداد ۱۳۸۰ ش.

